

بررسی تاثیر ساختار حاکمیت شرکتی بر گزارشگری مالی

امید پورحیدری*، نفیسه سمیعی نژاد**

چکیده

در این پژوهش، تاثیر ساختار حاکمیت شرکتی بر گزارشگری مالی متقالبانه‌ی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی شده است. حاکمیت شرکتی با استفاده از ویژگی‌های، اندازه هیات مدیره، درصد تمرکز مالکیت، دوگانگی وظیفه مدیرعامل، و استقلال هیات مدیره اندازه‌گیری شده، و اندازه‌گیری تقلب با استفاده از ادغام دو مدل بنیش (۱۹۹۹) و آلتمن (۱۹۸۶) صورت گرفته است. نمونه مورد مطالعه، شامل ۱۱۰۰ مشاهده (سال - شرکت) از ۱۳ صنعت مختلف طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲ بوده است. نتایج مطالعه نشان داد که، بین اندازه هیات مدیره، درصد تمرکز مالکیت، دوگانگی وظیفه مدیرعامل، و استقلال هیات مدیره با گزارشگری مالی متقالبانه ارتباط معناداری وجود ندارد. در واقع، کیفیت حاکمیت شرکتی از بعد مدیریت، تاثیری بر گزارشگری مالی متقالبانه ندارد، که این می‌تواند حاکی از کم توجهی مدیران شرکت‌ها نسبت به مقوله‌ی گزارشگری مالی متقالبانه در محیط اقتصادی ایران باشد.

واژه‌های کلیدی: حاکمیت شرکتی، ساختار حاکمیت شرکتی، گزارشگری مالی

مقالبانه، بورس اوراق بهادار تهران.

مقدمه

در سال‌های اخیر پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای در استقرار نظام راهبری شرکتی^۱ از طریق قانون‌گذاری، نظارت، و نیز اقدامات داوطلبانه شرکت‌ها در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه صورت گرفته است. سرمایه‌گذاران و سهامداران آگاهی بیشتری در مورد ضرورت و اهمیت حاکمیت شرکتی یافته‌اند و نسبت به پی‌گیری استقرار این نظام در شرکت‌ها علاقه‌مند شده‌اند. در یک بیان کلی راهبری شرکتی، سیستم کنترل و هدایت شرکت است. سیستمی که ارتباط بین شرکت و ذینفعان آن را تعیین، کنترل، و هدایت می‌نماید.

افزایش توجه به مسئله تقلب در سال‌های اخیر، نشان دهنده رشد سطح آگاهی افراد از اثرات زیان بار تقلب است. علاوه بر مشخصه‌های ساختاری شرکت، که می‌توانند زمینه ارتکاب تقلب را افزایش دهند، تضاد منافع و عدم تقارن اطلاعاتی بین مالکیت و مدیریت نیز زمینه ساز فساد مالی هستند. در چنین شرایطی، اهمیت نقش هیات مدیره به عنوان ناظر و کنترل‌کننده‌ی عملکرد مدیران اجرایی کاملاً واضح است. و از آنجا که حاکمیت شرکتی ضعیف، منبع اصلی رفتار متقلبانه در متن شرکت هاست، بنابراین، استقرار حاکمیت شرکتی قوی یکی از موثرترین ابزارها برای ممانعت و کاهش این گونه رفتارها می‌باشد.

سقوط چشمگیر شرکت‌های گول‌آسا مانند ورلد‌کام^۲، انرون^۳ و گلوبال کراسینگ^۴ نیز به علت وقوع تقلب در صورتهای مالی بوده است و این موارد تقلب، اعتماد نسبت به بازارهای مالی، اطلاعات مالی و همچنین حرفه‌ی حسابداری را در سراسر جهان از بین برده است. شکست این شرکت‌ها، در ذهن سهامداران مختلف نسبت به اعتبار گزارش‌های مالی و قابلیت اطمینان آنها شک و تردید ایجاد کرده است. بنابراین می‌توان استدلال کرد که مکانیزم‌های فعلی حاکمیت شرکتی به اندازه‌ی کافی بازدارنده نیستند (آسیکین^۵ و همکاران، ۲۰۱۴). بنابراین استدلال می‌شود که، ساختار حاکمیت شرکتی قوی می‌تواند تأثیر مثبتی در کاهش بروز چنین تقلب‌هایی داشته باشد.

با این حال، تقلب جرمی است که به ندرت مشاهده می‌شود و گزارشگری مالی متقلبانه نوعی از تقلب با اثرات منفی قابل توجه است، اثراتی مثل: از دست دادن اعتماد سرمایه‌گذاران، آسیب شهرت، جریمه‌های بالقوه، اقدامات جنایی، کاهش قابلیت سودآوری آتی، و همچنین زیان‌های ناشی از عدم اطمینان بازارها که همگی گویای

بررسی تاثیر ساختار حاکمیت شرکتی بر گزارشگری مالی متقلبانهای شرکت‌های پذیرفته شده ۵۵

ضرورت مبارزه با این مساله هستند (ارنست و یانگ^۶، ۲۰۰۹). همچنین، در گزارش سال ۲۰۱۲ ACFE آمده است که تقلب صورت‌های مالی گران‌ترین گونه تقلب است؛ یعنی بیشترین زیان را تحمیل می‌کند.

به نظر می‌رسد که با توجه به افزایش تعداد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، ضرورت انتشار عمومی صورت‌های مالی، رشد سرمایه و... توان پیش بینی احتمال ارتکاب تقلب صورت‌های مالی در اطلاعات مالی انتشار یافته، یک ضرورت باشد، اما علی‌رغم تحقیقات متعدد خارجی که در این زمینه انجام شده، در کشور ما کمتر مورد توجه واقع شده است، بنابراین مساله تقلب در گزارشات مالی در ایران می‌تواند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد.

بنابراین این مقاله قصد دارد تا تأثیر ساختار حاکمیت شرکتی را به عنوان ابزاری در جلوگیری و پیشگیری از شیوه‌های گزارشگری مالی متقلبانه^۷ در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار دهد.

مبانی نظری

تقلب به عنوان یک مفهوم قانونی عام، به هرگونه اقدام فریبکارانه به منظور محروم کردن فرد یا گروهی از افراد، از اموال یا حقوق آنها، تعریف می‌شود. طبق بند ۴ استاندارد حسابرسی ۲۴۰، تقلب عبارت است از هرگونه اقدام عمدی یا فریبکارانه یک یا چند نفر از مدیران، کارکنان یا اشخاص ثالث، برای برخورداری از یک مزیت ناروا یا غیرقانونی. الیوت و ویلینگهام^۸ (۱۹۸۰) عنوان می‌کنند که تقلب، همان دستکاری هوشیارانه صورت‌های مالی توسط مدیریت است که باعث گمراهی سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان می‌شود. از نظر والاس^۹ (۱۹۹۵) تقلب، برنامه‌های از پیش طراحی شده به منظور فریب دیگران است که می‌تواند از طریق ارائه اسناد و مدارک ساختگی صورت گیرد. فدراسیون بین‌المللی حسابداران^{۱۰} (۱۹۸۲) در بیانیه شماره ۱۱ خود تقلب و اشتباه را از هم جدا، و عنوان می‌کند که تنها ویژگی متمایزکننده تقلب از اشتباه، قصد و نیت می‌باشد و اینکه اشتباهات، ناشی از اعمال غیرعمدی (سهوی) است. انجمن حسابداران رسمی امریکا^{۱۱} نیز در بیانیه شماره ۸۲ خود، که در سال ۱۹۹۷ منتشر شد، تقلب را ناشی از عمد معرفی نموده است. با توجه به این مطالب ملاحظه می‌شود که کشف تقلب در صورتهای مالی کار

ساده‌ای نیست، زیرا تقلب، معلول عوامل متعددی است و در ضمن به شیوه‌های متفاوتی نیز قابل اعمال است (صفرزاده، ۱۳۸۹).

گزارشگری مالی متقلبانه، تحریف یا حذف عمدی مبالغ یا موارد افشا از صورت‌های مالی برای فریب استفاده کنندگان صورت‌های مالی است که شامل بازی اعداد مالی می‌شود. بازی اعداد مالی، به کارگیری روش‌های حسابداری ساختگی برای دگرگون سازی برداشت استفاده کنندگان صورت‌های مالی از عملکرد تجاری شرکت است. روش‌های حسابداری ساختگی یعنی به کارگیری یک یا چند روش برای بازی با اعداد مالی شامل انتخاب و به کارگیری رویه‌های حسابداری به گونه‌ای متهورانه، و هرگونه اقدامی برای مدیریت یا هموارسازی سود.

افزایش رو به رشد تقلب شرکت‌ها نشان دهنده بی اثر بودن مکانیسم‌های پیشگیرانه از تقلب است که توسط سازمان‌ها استفاده می‌شود. در بسیاری از تخلفات اخیر شرکت‌های بزرگ، شکست ساختار حاکمیت شرکتی علت اصلی بیان شده است، که خود یکی از ابزارهای پیشگیری از گزارشگری مالی متقلبانه است (آسیکین و همکاران، ۲۰۱۴). بنابراین استدلال می‌شود که، ساختار حاکمیت شرکتی قوی می‌تواند تأثیر مثبتی در کاهش بروز چنین تقلب‌هایی داشته باشد (لا^{۱۲}، ۲۰۱۲).

مطالعات علمی نیز نشان می‌دهند که میان حاکمیت شرکتی ضعیف و کیفیت نازل گزارشگری مالی، تحریف سود، وجود تقلب در صورتهای مالی، و ضعف کنترل‌های داخلی رابطه وجود دارد.

با توجه به نتایج مزبور به نظر می‌رسد که باید از طریق اقداماتی از قبیل انجام اصلاحاتی به منظور افزایش اثربخشی کمیته حسابرسی، ارتقای سطح مسئولیت پاسخ‌گویی هیات مدیره و مدیران شرکت به منظور اطمینان از ارائه‌ی صادقانه‌ی گزارش‌های مالی (کمیسیون بورس و اوراق بهادار^{۱۳}، ۲۰۰۲)، و گسترش پژوهش‌های انجام شده در زمینه حاکمیت شرکتی، تأکید بیشتری در زمینه بهبود آثار حاکمیت شرکتی بر فرایند گزارشگری مالی صورت گیرد (حساس یگانه و باغومیان، ۱۳۸۴).

حاکمیت شرکتی و تقلب

تقلب در گزارشگری و حسابداری مالی در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی داشته است. با بروز بحران مالی در شرکت‌هایی همچون انرون، گلوبال کراسینگ و ورلد‌کام،

بررسی تاثیر ساختار حاکمیت شرکتی بر گزارشگری مالی متقلبانهای شرکت‌های پذیرفته شده ۵۷

مسئله تقلب در گزارشگری مالی وارد عرصه سیاست نیز شده است. امروزه مجامع قانون گذار، حرفه حسابداری، و مدیریت به علت‌های ایجاد تقلب و راه‌های موجود به منظور جلوگیری از وقوع رفتار متقلبانه در گزارشگری مالی توجه خاصی کرده‌اند (صفرزاده، ۱۳۸۹).

تحریف صورتهای مالی شامل، دستکاری عناصر تشکیل دهنده آنها از طریق ارائه بیش از واقع دارایی، فروش و سود یا ارائه کمتر از واقع بدهی، هزینه و زیان است. در مواقعی که صورتهای مالی حاوی تحریفی بااهمیت است به گونه‌ای که عناصر تشکیل دهنده آن صورت مالی بیانگر واقعیت نباشد، گفته می‌شود که تقلب صورت گرفته است (صفرزاده، ۱۳۸۹).

ارتکاب تقلب در گزارشگری مالی

در حالی که بسیاری از افراد، مرتکب تقلب در گزارشگری مالی شده‌اند، بیشتر موارد مطالعه شده حاکی از آن است که مدیر عامل، اعضای هیات مدیره و مدیران مالی نقش بیشتری در ایجاد تقلب داشته‌اند. در تحقیقی که توسط انجمن خبره بررسی کنندگان تقلب در سال ۲۰۰۴ صورت گرفت، مشخص شد که ۸۳ درصد از موارد تقلب بررسی شده، توسط مدیران اجرایی شرکت انجام گرفته است.

ارنست و یانگ (۲۰۰۳) دریافته‌اند که بیش از نصف افرادی که مرتکب تقلب در گزارشگری مالی می‌شوند از گروه مدیریت شرکت هستند. کمیته سازمان‌های حامی کمیسیون تردوی در گزارشی تحت عنوان "تقلب در گزارشگری مالی"، که در سال ۱۹۹۹ منتشر شد عنوان کرد که ۷۲ درصد از موارد تقلب مورد بررسی توسط مدیر عامل و ۴۲ درصد توسط مدیر مالی صورت گرفته است.

سازوکارهای حاکمیت شرکتی مرتبط با هیات مدیره

رابطه تئوریک بین حاکمیت شرکتی و بحران‌های مالی ریشه در سوابق ادبی تئوری سازمانی دارد، که از آن چنین استنباط می‌شود که، سازمانها اغلب زمانی اقدام به تغییر حاکمیت شرکتی و ساختار هیات مدیره می‌کنند که روند نزولی دارند و یا با بحران مالی مواجه هستند. باور بر این است که هیات مدیره نقش عمده‌ای در حاکمیت شرکتی بویژه در نظارت بر عملکرد مدیریت سطوح بالا دارد (پورزمانی، ۱۳۸۶).

سلامت و آلزوبی^{۱۴} (۲۰۱۲)، نیز استدلال می‌کنند که هیات مدیره کاتالیزور مهمی در

تضمین موفقیت سازمان‌هاست. آن‌ها معتقدند که، اعضای هیات مدیره در برابر تعیین اهداف و استراتژی‌های سازمانی، و هماهنگی آن‌ها با منفعت سهامداران مسئولیت دارند، و همچنین، آن‌ها مسئول شفافیت و اعتبار صورت‌های مالی نیز هستند. مطابق با این استدلال، هیات مدیره به عنوان بالاترین سطح از کنترل در سازمان، دارای قدرت نهایی در تصمیم‌گیری است، مانند اختیار استخدام و اخراج کارکنان، تعیین میزان حقوق مدیران رده بالا، و مرتفع ساختن تضاد منافع میان مدیران و سهامداران.

بهبود ساختار هیات مدیره به عنوان یکی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی، از طریق همسو نمودن منافع مدیران و سهامداران، به سرمایه‌گذاران کمک نموده و قابلیت اتکای اطلاعات مالی، و همگرایی فرایند گزارشگری مالی را تقویت می‌نماید (صدیقی، ۱۳۹۲).

تئوری نمایندگی نیز، برای افزایش استقلال هیات مدیره از مدیریت، این ایده را پشتیبانی می‌کند که هیات مدیره باید در چنبره‌ی مدیران بیرونی باشد. صاحب‌نظران در قالب این تئوری معتقدند که رفتار فرصت‌طلبانه‌ی مدیر می‌بایست توسط مدیران غیر اجرایی تحت نظارت و کنترل قرار گیرد.

گزارش کدبری توصیه کرده است که هیات مدیره باید حداقل دارای سه عضو غیر موظف باشد تا اعضای مزبور، توان تأثیر گذاری بر تصمیمات هیات مدیره را داشته باشند. همچنین در گزارش مذکور بیان شده است که مدیران غیر موظف، باید دارای دیدگاه‌های مستقلی در زمینه راهبرد، عملکرد منابع، انتخابات و استانداردهای اجرای عملیات شرکت باشند و هیچ گونه رابطه‌ای با شرکت (به غیر از دریافت حق حضور و پاداش و حق سهامدار بودن) نداشته باشند که استقلال آنان را با مخاطره روبرو سازد. همچنین تصریح شده است که دست کم دو عضو از حداقل سه عضو غیرموظف (غیراجرایی) هیئت مدیره، باید مستقل باشند (رجبی، ۱۳۸۶).

تعداد اعضا (اندازه) هیات مدیره

اندازه هیات مدیره به عنوان یکی از عناصر حاکمیت شرکتی، که ممکن است بر تقلب در گزارشهای مالی تأثیر داشته باشد، مورد بررسی قرار می‌گیرد. تعداد بهینه اعضای هیات مدیره می‌بایست طوری تعیین شود تا از این موضوع که تعداد اعضای کافی برای پاسخگویی و انجام وظایف مختلف وجود دارد، اطمینان حاصل شود. نتایج برخی تحقیقات نشان داده است که هیات مدیره‌های بزرگ‌تر، قابلیت نظارت‌های بیشتری بر

فعالیت‌های مدیران ارشد دارند. در حقیقت تعداد اعضای هیأت مدیره بیشتر، با تخصص‌های گوناگون می‌تواند نظارت بیشتری را بر هیأت مدیره، برای کاهش انگیزه مدیریت سود بوجود آورد (صدیقی، ۱۳۹۲). به هر حال، تعداد و ترکیب اعضای هیأت مدیره باید به گونه‌ای باشد که تحلیل و بررسی وجوه مختلف موضوعات شرکت را برای تصمیم‌گیری منطقی امکان‌پذیر سازد (پیش‌نویس آیین‌نامه اصول راهبری شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، ۱۳۸۵).

ادبیات تئوریک دو دیدگاه متضاد پیرامون نقش اندازه هیأت مدیره بر استقلال آن دارد. دیدگاه اول بیان می‌دارد که هیأت مدیره با تعداد اعضای زیاد باعث بوجود آمدن مشکلات نمایندگی می‌شود. زیرا ممکن است تعدادی از اعضای هیأت مدیره به عنوان افراد بی‌منفعت عمل نمایند، و همچنین کنترل و نظارت بر مدیرعامل بصورت کارا صورت نگیرد. از سوی دیگر دیدگاه دوم بیان می‌دارد که هیأت مدیره کوچکتر از مزیت‌ها و منافع نظرات و پیشنهادهای تخصصی و متنوع که در هیأت مدیره بزرگتر وجود دارد، محروم است. یک هیأت مدیره با تعداد اعضای کم ممکن است توسط مدیرعامل آسان‌تر کنترل شود در حالی که نفوذ و سیطره مدیرعامل بر یک هیأت مدیره با تعداد اعضای بیشتر دشوارتر است (مکرمی، ۱۳۹۰).

بنابراین، استقلال هیأت مدیره بستگی به اندازه آن دارد، زیرا همانطور که گفته شد، یک هیأت مدیره با تعداد اعضای کم ممکن است توسط بالاترین مقام اجرایی و بر اساس زمینه انسجام اجتماعی آسانتر کنترل شود، در حالی که نفوذ و سیطره بالاترین مقام اجرایی بر یک هیأت مدیره با تعداد اعضای بیشتر، دشوارتر است.

تفکیک وظایف رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل (دوگانگی وظیفه مدیرعامل)

مدیرعامل در شرکت دارای نقش اجرایی است و رییس هیأت مدیره بر اجرای این نقش نظارت می‌کند. عدم تفکیک این دو سمت و نبود تضاد منافع بین رییس هیأت مدیره و مدیرعامل منجر به کاهش عملکرد نظارتی سهامداران می‌شود (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۸۷). بنابراین، دو گانه بودن مسئولیت مدیرعامل هنگامی رخ می‌دهد که مدیرعامل (CEO) شرکت، به عنوان رئیس هیأت مدیره هم انتخاب شود. این امر ممکن است به تضاد منافع و از دست رفتن استقلال منجر گردد. وقتی که مدیرعامل در ترکیب هیأت مدیره نیز باشد (دوگانگی وظایف مدیرعامل) تهدید کمتری برای از دست دادن کار آن

وجود دارد، و این دوگانگی وظایف باعث می‌شود که مدیر انگیزه کمتری برای بهبود عملکرد داشته باشد و اثر منفی بر عملکرد شرکت می‌گذارد (مینیک و نوگا^{۱۵}، ۲۰۱۰).

در گزارش کدبری توصیه می‌شود که بین اعضای هیات مدیره باید توازن قوا وجود داشته باشد تا هیچکس قادر به کنترل بی‌قید و شرط فرایند تصمیم‌گیری شرکت نباشد. علاوه بر این، تقسیم مسئولیت‌ها در سطح عالی شرکت باید به روشنی مشخص شده باشد تا از توازن قوا و حدود اختیارات اعضای هیات مدیره اطمینان کافی حاصل شود. پس از گزارش کدبری، در گزارش هیگز^{۱۶} در سال ۲۰۰۳ نیز، بر اهمیت تفکیک وظایف رئیس هیات مدیره و مدیرعامل در شرکت‌های انگلیسی تأکید شد.

طبق تئوری نمایندگی نیز، پست‌های مدیریت عامل و ریاست هیات مدیره باید کاملاً جدا از یکدیگر باشد تا کنترل مستقل و وظایف نظارتی هیات مدیره در شرکت افزایش یابد. تفویض پست ریاست هیات مدیره و مدیریت عامل به دو شخص مجزا موجب کاهش قدرت مدیرعامل در کل مجموعه، و افزایش توانایی هیات مدیره در اجرای وظایف نظارتی خود به نحو مطلوب می‌شود. به عبارتی هیات مدیره در بررسی و ارزیابی عملکرد مدیرعامل و نظارت بر عملکرد شرکت آزادی عمل خواهد داشت که نتیجه آن تأثیر مثبت بر عملکرد شرکت می‌باشد (مکرمی، ۱۳۹۰).

سهامداران نیز بر این باورند که زمانی که رییس هیات مدیره مستقل از مدیر عامل است، ظرفیت نظارت به وسیله هیات مدیره افزایش می‌یابد. بنابراین، مسئولیت دوگانه مدیر عامل باعث خواهد شد که کنترل کمتری بر رفتار و فعالیت‌های مدیرعامل وجود داشته باشد (صدیقی، ۱۳۹۲).

مالکیت متمرکز

یک مکانیزم حاکمیت شرکتی برای جلوگیری از انحراف مدیران از منافع مالکان، مالکیت متمرکز است. زیرا سرمایه‌گذاران بزرگ برای بدست آوردن اطلاعات، کنترل مدیران، و اعمال حاکمیت شرکتی بر تصمیمات مدیریت انگیزه کافی دارند. در ضمن، سهامداران بزرگ می‌توانند نمایندگان خود را در هیات مدیره انتخاب کنند و مانع از کنترل مدیریت بر هیات مدیره شوند. همچنین، سهامداران بزرگ در اعمال حق رای خود نسبت به سرمایه‌گذاران کوچک نیز، موثرتر خواهند بود (برادران خسروشاهی، ۱۳۸۷).

مزیت عمده تمرکز مالکیت، نظارت بر عملکرد مدیران است. اما این مالکیت در

بررسی تاثیر ساختار حاکمیت شرکتی بر گزارشگری مالی متقلبانهای شرکت‌های پذیرفته شده ۶۱

شرکت‌ها مشکلات کاهش نقدینگی و افزایش ریسک را به همراه دارد، در حالی که توزیع مالکیت، انباشت نقدینگی بیشتر و تخصیص کارآیی منابع را در پی خواهد داشت. زمانی که سرمایه یک شرکت بین سهامداران خرد توزیع می‌شود این امکان برای مدیریت فراهم می‌گردد که در خلاف جهت منافع سهامداران عمل نماید. در چنین شرایطی حتی قرارداد منعقد شده بین سهامداران و مدیر، در غیاب مشاهده مستقیم رفتار مدیران توسط سهامداران نمی‌تواند مانع از انجام عملیات هزینه‌زا توسط مدیران گردد. در چارچوب ملاحظات اخلاقی، قدرت مالکیت باید بتواند مدیران را وادار به انجام اموری نماید که در جهت منافع سهامداران صورت پذیرد. از سوی دیگر اقتدار ناشی از مالکیت، می‌تواند مدیران را در جهت افشاء اطلاعات محرمانه پیرامون توانایی ایجاد جریان‌های نقدی ملزم نماید (احدی سرکانی، ۱۳۸۵).

پیشینه

در تحقیق دالیوال^{۱۷} و همکاران (۱۹۸۲)، جهت بررسی تأثیر مالکیت بر کنترل‌های مدیریت، سعی شده است مدلی برای پیش بینی تقلب تدوین شود. نتایج ناشی از تفکیک ۷۵ شرکت متقلب و ۷۵ شرکت غیر متقلب از طریق رگرسیون لاجیت نشان می‌دهد که در شرکت‌های غیر متقلب، ترکیب هیات مدیره غیرموظف از درصد بالاتری در مقایسه با شرکت‌های متقلب برخوردار بوده است.

بیزلی (۱۹۹۶)، در تحقیقی با عنوان "آنالیز تجربی ارتباط بین ترکیب اعضای هیات مدیره و تقلب صورت‌های مالی" به بررسی رابطه‌ی میان ترکیب اعضای هیات مدیره و احتمال وجود تقلب در صورت‌های مالی و همچنین رابطه میان وجود کمیته حسابرسی و کاهش احتمال تقلب پرداخت. یافته‌های وی بیانگر آن است که احتمال وجود تقلب، بر اثر عواملی مانند، بالا بودن نسبت تعداد مدیران غیرموظف و باتجربه بودن اعضای هیات مدیره، کاهش، و در صورت وجود عواملی مثل، بالا بودن درصد مالکیت مدیران غیرموظف در سهام شرکت افزایش می‌یابد. جالب توجه اینکه، وی نتیجه‌گیری کرد که وجود کمیته حسابرسی نقشی در کاهش احتمال وجود تقلب در صورت‌های مالی ایفا نمی‌کند.

چن و همکاران (۲۰۰۶)، در مقاله‌ای با عنوان "ساختار مالکیت، حاکمیت شرکتی و تقلب: مدارک و شواهد از چین" به بررسی اینکه آیا ساختار مالکیت و ویژگی‌های هیات

مدیره بر تقلب مالی شرکت‌ها در چین اثرگذار است یا خیر پرداخته‌اند. نتایج تجزیه و تحلیل تک متغیره نشان می‌دهند که، ساختار مالکیت و ویژگی‌های حاکمیت شرکتی، هر دو در توضیح تقلب مهم هستند، اما، نتایج مدل احتمالی دومتغیره نشان می‌دهد که، ساختار مالکیت ارتباط کمتری با تقلب دارد. به طور خاص، نسبت مدیران غیرموظف، تعداد جلسات هیات مدیره، مدت زمان تصدی ریاست با بروز تقلب در ارتباط‌اند.

سلامت و همکاران (۲۰۱۲)، در تحقیقی با عنوان "اثر مکانیزم حاکمیت شرکتی در مدیریت سود" به دنبال تهیه‌ی یک چارچوب مفهومی جهت بررسی نقش هیات مدیره و کمیته حسابرسی در مدیریت سود بودند، آنها به این نتیجه رسیدند که در شرکت‌هایی با ویژگی‌های موثر هیات مدیره و کمیته حسابرسی، مدیریت سود با احتمال کمتری اتفاق می‌افتد. هیات مدیره‌هایی که از نظر اندازه کوچکترند، مدیران مستقل‌تر و تجربه مالی بیشتری دارند، اغلب نقش نظارتی خود را بطور موثرتری انجام می‌دهند.

پورزمانی (۱۳۸۶)، در رساله‌ی دکتری خود با عنوان "حاکمیت شرکتی و پیش‌بینی ورشکستگی شرکتها" به بررسی حاکمیت شرکتی و پیش‌بینی ورشکستگی شرکتها پرداخته است در تحقیق وی ساختار مالکیت موجود و نظریه حاکمیت شرکتی در ایران مورد آزمون قرار می‌گیرد، که با استفاده از آزمون تحلیل رگرسیون لججیت، هیچگونه نتیجه معنادار آماری در مورد ارتباط متغیرهای ساختار مالکیت، ویژگی‌های هیات مدیره، و اظهار نظر حسابرس با احتمال وقوع بحران مالی حاصل نگردیده است.

حساس یگانه و یزدانیان (۱۳۸۷)، در دانشگاه علامه طباطبایی تحقیقی را با عنوان "تأثیر حاکمیت شرکتی بر کاهش مدیریت سود" انجام دادند. در این تحقیق تأثیر برخی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی مانند مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی، وجود مدیران غیرموظف در ترکیب هیات مدیره، عدم وجود مدیر عامل شرکت به عنوان رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره و وجود حسابرسان داخلی بر مدیریت سود در ایران مورد بررسی قرار گرفت است. نتایج تحقیق فوق نشان می‌دهد در شرکت‌هایی که درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی در آنها بیش از ۵۱٪ است و در واقع از تمرکز مالکیت بالایی برخوردارند میزان مدیریت سود کاهش می‌یابد. همچنین نقش مدیران غیرموظف در ایران مطابق با دیدگاه تئوری نمایندگی نیست و توانایی این ابزار نظارتی در بهبود کیفیت گزارشگری مالی به ویژه کاهش مدیریت سود بسیار ضعیف است. در ایران به دلیل عدم تفکیک مناسب وظیفه مدیریت عامل و رئیس هیات مدیره

بررسی تاثیر ساختار حاکمیت شرکتی بر گزارشگری مالی متقلبانهای شرکت‌های پذیرفته شده ۶۳
و همچنین عدم وجود حسابرسی داخلی در بسیاری از شرکت‌ها، بررسی رابطه بین عوامل مذکور با مدیریت سود با مشکل مواجه می‌گردد.

آقایی و چالاکی (۱۳۸۸)، در تحقیقی با عنوان "بررسی رابطه بین ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" به بررسی این رابطه طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶ پرداختند. در این تحقیق حاکمیت شرکتی با استفاده از ویژگی‌های تمرکز مالکیت، نفوذ مدیرعامل، دوگانگی وظیفه مدیرعامل، اندازه هیات مدیره، مدت زمان تصدی مدیرعامل در هیات مدیره اندازه گیری می‌شود. جهت آزمون فرضیه‌های تحقیق نیز از رگرسیون چند متغیره به روش حداقل مربعات معمولی و حداقل مربعات تعمیم یافته ترکیبی استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که رابطه منفی معنی داری بین مالکیت نهادی و مدیریت سود و همچنین بین استقلال هیات مدیره و مدیریت سود وجود دارد. علاوه بر این، رابطه معنی داری بین سایر ویژگی‌های حاکمیت شرکتی (تمرکز مالکیت، نفوذ مدیرعامل، دوگانگی وظیفه مدیرعامل، اندازه هیات مدیره، مدت زمان تصدی مدیرعامل در هیات مدیره) و مدیریت سود وجود ندارد.

اعتمادی و زلفی (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان "کاربرد رگرسیون لجستیک در شناسایی گزارشگری مالی متقلبانه" به این نتیجه رسیدند که تقلب صورت‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با برخی از نسبت‌های مالی مرتبط است (از جمله: نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام، نسبت بدهی بلندمدت به دارایی‌ها، و...). نمونه‌ی آماری آنها شامل ۶۸ شرکت در قالب ۳۴ شرکت دارای نشانه‌های تقلب و ۳۴ شرکت فاقد نشانه‌های تقلب است و از رگرسیون لاجیت جهت تدوین مدل برای شناسایی عوامل مرتبط با تقلب (FFS) بهره برده اند. در تحقیق آنان درصد صحت پیش بینی مدل ۸۳/۸ درصد ذکر شده است.

فرضیه‌ها

بر اساس مبانی نظری و اهداف تحقیق، فرضیه‌های زیر مطرح می‌شود:

فرضیه اول. اندازه هیات مدیره دارای ارتباط منفی و معناداری با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه است.

فرضیه دوم. درصد تمرکز مالکیت دارای ارتباط منفی و معناداری با احتمال

گزارشگری مالی متقلبانه است.

فرضیه سوم. دوگانگی وظیفه مدیر عامل دارای ارتباط منفی و معناداری با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه است.

فرضیه چهارم. استقلال هیات مدیره دارای ارتباط منفی و معناداری با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه است.

روش شناسی

تحقیق پیش رو، بر اساس هدف از نوع توصیفی و بر اساس ماهیت و روش، از نوع همبستگی است. با توجه به تجزیه و تحلیل اطلاعات گذشته، این تحقیق از نوع تحقیقات شبه تجربی است. و به دلیل اینکه تحقیق حاضر می‌تواند در فرایند تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران مورد استفاده قرار گیرد، از نوع تحقیق‌های کاربردی است. همچنین تحقیق حاضر از نوع پس‌رویدادی است، یعنی بر مبنای تجزیه و تحلیل اطلاعات گذشته (صورت‌های مالی شرکت‌ها) انجام می‌گیرد.

روش انجام تحقیق در این پژوهش، به این صورت است که، میزان احتمال گزارشگری مالی متقلبانه با ادغام دو مدل پیش‌بینی ورشکستگی آلتمن (Z) و مدل مدیریت سود بنیش (M) اندازه‌گیری می‌شود. به عبارتی این دو مدل را با هم ترکیب می‌کنیم تا ببینیم آیا نشانه‌ای از وقوع تقلب وجود دارد یا نه؟

مدل آلتمن نماینده‌ای است از خطر بحران مالی یا خطر ورشکستگی، که این خطرات می‌تواند علائم هشدار دهنده‌ای باشند برای فروپاشی بالقوه، که به تقلب یا دستکاری منجر خواهد شد. در این تحقیق ما از مدل بومی سازی شده توسط پورحیدری و کویانی حاجی (۱۳۸۹) استفاده می‌کنیم، که به شرح زیر است:

$$P = 3/20784 K_1 + 1/80384 K_2 + 1/61363 K_3 + 0/50094 K_4 + \\ 0/16903 K_5 - 397090/ K_6 - 0/12505 K_7 + 0/33849 K_8 + \\ 1/42363 K_9$$

P: بحران مالی در شرکت

K_1 : قدرت کسب سود دارایی ها (EBIT/TA)

K_2 : سرمایه تحصیل شده (AE/TA)

K_3 : سرمایه در گردش به دارایی ها (WC/TA)

K_4 : حقوق صاحبان سهام به بدهی ها (E/TL)

K_5 : حاشیه سود عملیاتی (EBIT/S)

K_6 : نسبت جاری (CA/CL)

K_7 : حاشیه سود خالص (NE/S)

K_8 : نسبت بدهی (TL/TA)

K_9 : اندازه شرکت (FS)

نقطه انقطاع = $15/89.07$

اگر $p < 15/89.07$ باشد، در این صورت شرکت دارای بحران مالی است.

و اگر $p \geq 15/89.07$ باشد، در این صورت شرکت فاقد بحران مالی است.

مدل بنیش نیز شبیه به مدل آلتمن است، با این تفاوت که به جای پیش بینی ورشکستگی شرکت، برای کشف دستکاری در سود مورد استفاده قرار می گیرد. بنابراین، با ترکیب این دو مدل می توانیم احتمال گزارشگری مالی متقلبانه را در یک شرکت مشخص کنیم، به این صورت که، در مورد شرکت هایی که به طور همزمان، هم ورشکسته باشند (طبق مدل آلتمن) و هم دستکاری در سود انجام داده باشند (طبق مدل بنیش)، نتیجه گیری می کنیم که در گزارشهای مالی آنها تقلب رخ داده است. لازم به ذکر است که، جهت متناسب شدن نتایج تحقیق با شرایط اقتصادی ایران، تصمیم بر آن شد که ضرایب مدل بنیش مورد تعدیل قرار گیرند. مراحل کلی آن به این صورت می باشد که، جامعه آماری تحقیق که شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشند و طی سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲ در بورس فعال بوده اند مورد بررسی قرار گرفتند، سپس ۹۰ شرکت از بین آنها، شامل ۳۹ شرکت فاقد مدیریت سود و ۵۱ شرکت دارای مدیریت سود انتخاب گردیدند. معیار این تقسیم بندی، نسبت تعدیلات سنواتی به سود خالص این شرکت ها بوده است، به این صورت که نسبت های بالای ۵۰٪ به

عنوان شرکت‌های دارای مدیریت سود انتخاب شدند. مدل به دست آمده به شرح زیر است، این مدل با استفاده از روش تابع تفکیکی خطی طراحی، و ضرایب متغیرهای آن نیز با استفاده از نرم افزارهای آماری برآورد شده است:

$$M = -0.0752 + 0.001K_1 - 0.103K_2 + 0.017K_3 + 0.002K_4 + 0.183K_5 \\ - 0.017K_6 - 0.006K_7 + 0.133K_8 \\ - 1/0.164 = \text{نقطه انقطاع}$$

اگر $M < -1/0.164$ باشد، در این صورت شرکت دارای مدیریت سود است.
و اگر $M \geq -1/0.164$ باشد، در این صورت شرکت فاقد مدیریت سود است.

M: احتمال مدیریت سود

K_1 : شاخص فروش‌های روزانه در حساب‌های دریافتی

K_2 : شاخص حاشیه سود ناخالص

K_3 : شاخص کیفیت دارایی‌ها

K_4 : شاخص رشد فروش

K_5 : شاخص استهلاک

K_6 : شاخص هزینه‌های اداری، عمومی و فروش

K_7 : شاخص مجموع ارقام تعهدی به مجموع دارایی‌ها

K_8 : شاخص اهرم

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این تحقیق، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشند که از سال ۱۳۸۳ تا سال ۱۳۹۲ در بورس فعال بوده‌اند. که دلیل این انتخاب، توجه بیشتر سرمایه‌گذاران، در دسترس بودن اطلاعات، و شفافیت داده‌های حسابداری آن شرکت‌هاست.

در سال ۱۳۹۲، تعداد ۵۰۸ شرکت در بورس تهران فعال بوده‌اند، که با توجه به شرایطی که برای نمونه انتخاب شده است، در نهایت ۱۱۰ شرکت از ۱۳ صنعت مختلف، انتخاب شدند. داده‌ها به صورت پانلی جمع‌آوری شده و با استفاده از ۱۱۰۰ مشاهده (سال -

بررسی تاثیر ساختار حاکمیت شرکتی بر گزارشگری مالی متقلبانهای شرکت های پذیرفته شده ۶۷
شرکت) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند.

- ✓ شرکت هایی که دارای شرایط زیر بودند به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند:
 - ✓ شرکتها تولیدی بوده، لذا شرکت های سرمایه گذاری، هلدینگ، و موسسات مالی و واسطه گری با توجه به ماهیت متفاوت فعالیتشان حذف شده اند.
 - ✓ سال مالی شرکت ها منتهی به پایان اسفندماه هر سال باشد.
 - ✓ داده های صورت های مالی حسابرسی شده آنها برای سال مالی ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ در دسترس باشد.
 - ◀ همچنین لازم به ذکر است که، نمونه ی استفاده شده جهت تعدیل ضرایب مدل بنیش، متشکل از ۹۰ شرکت می باشد که علاوه بر شرایط بالا، شرط زیر را نیز دارا هستند:
 - ✓ موجود بودن دیتاهای تعدیلات سنواتی شرکت ها برای سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲.
- ۹۰ شرکت در دو گروه طبقه بندی شدند، گروه اول شامل ۵۱ شرکت که دارای مدیریت سود هستند، و گروه دوم شامل ۳۹ شرکت که فاقد مدیریت سود هستند.

متغیرها

در این پژوهش از سه دسته متغیر وابسته، مستقل، و کنترلی، استفاده شد، که به شرح آنها می پردازیم:

متغیر وابسته

متغیر وابسته در این تحقیق، تقلب در صورت های مالی است که از ماهیت کیفی برخوردار بوده و دارای مقیاس سنجش اسمی است. در اندازه گیری این متغیر، به شرکت های متقلب عدد ۱ و به شرکت های غیرمتقلب عدد ۰ تخصیص داده شده است.

متغیرهای مستقل

اندازه هیات مدیره (Bod Size_{it}): اندازه هیأت مدیره به عنوان یکی از عناصر حاکمیت شرکتی، که ممکن است بر تقلب در گزارشات مالی تأثیر داشته باشد، مورد بررسی قرار می گیرد. تعداد بهینه اعضای هیأت مدیره می بایست طوری تعیین شود تا از این موضوع که تعداد اعضای کافی برای پاسخگویی و انجام وظایف مختلف وجود دارد،

اطمینان حاصل شود. از این جهت توصیه می‌شود که اندازه هیات مدیره ایده آل بیشتر از ۸ یا ۹ نفر نیست. علاوه بر این، استدلال می‌شود که هیات مدیره‌های بیش از حد بزرگ و بیش از حد کوچک می‌توانند اثربخش نباشند، زیرا هیات مدیره‌های بزرگ مسئولیت کمتری دارند و هیات مدیره‌های کوچک، تعهدات بیش از حد. این متغیر برابر است با تعداد اعضای هیات مدیره (آسیکین و همکاران، ۲۰۱۴).

درصد تمرکز مالکیت (Own Con_{it}): تمرکز سهامداران به عنوان یک منبع قدرت در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند برای حمایت یا مخالفت با مدیریت مورد استفاده قرار گیرد. مالکان در تصمیم‌هایی از مدیریت حمایت می‌نمایند که کارآیی را در راستای تامین منافع آنها حداکثر نماید و با تصمیم‌هایی مخالفت می‌نمایند که مطلوبیت مدیریت را حداکثر می‌کند (نمازی و ابراهیمی، ۱۳۹۲). بنابراین، می‌توان گفت که مالکیت متمرکز، یک مکانیزم حاکمیت شرکتی برای جلوگیری از انحراف مدیران از منافع مالکان است. زیرا سرمایه‌گذاران بزرگ برای بدست آوردن اطلاعات، کنترل مدیران، و اعمال حاکمیت شرکتی بر تصمیمات مدیریت انگیزه کافی دارند. در ضمن، سهامداران بزرگ می‌توانند نمایندگان خود را در هیات مدیره انتخاب کنند و مانع از کنترل مدیریت بر هیات مدیره شوند. همچنین، سهامداران بزرگ در اعمال حق رای خود نسبت به سرمایه‌گذاران کوچک نیز، موثرتر خواهند بود.

در این تحقیق، طبق تحقیق نمازی و ابراهیمی، تمرکز مالکیت برابر است با جمع سهام سهامداران بالای ۵٪ در نظر گرفته شده است.

دوگانگی وظیفه مدیر عامل (Dual_{it}): مدیر عامل در شرکت دارای نقش اجرایی است و رییس هیات مدیره بر اجرای این نقش نظارت می‌کند. عدم تفکیک این دو سمت، و نبود تضاد منافع بین رییس هیات مدیره و مدیر عامل منجر به کاهش عملکرد نظارتی سهامداران می‌شود (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۸۷). اگر موقعیت رییس هیات مدیره و مدیر عامل شرکت توسط یک شخص ایفا شود منجر به شفافیت کمتر و ناکارآمدی نقش نظارت بر عملکرد هیات مدیره می‌شود و کاهش یا عدم نظارت، ممکن است راه را برای رسوایی‌های مالی هموار کند و فسادآور باشد.

طبق تحقیق چن و همکاران (۲۰۰۶)، اگر سمت ریاست هیات مدیره و مدیر عامل یکی باشد، عدد ۱، و در غیر این صورت عدد ۰ را اختیار می‌کند.

استقلال هیات مدیره (Bod Ind_{it}): استقلال هیات مدیره به معنای توانایی هیات مدیره جهت اخذ تصمیمات، به گونه‌ای مستقل از مدیر اجرایی شرکت است. برخلاف مدیران موظف، مدیران غیر موظف از مدیریت شرکت مستقل هستند و به همین دلیل در ایفای نقش نظارتی خود موثرتر عمل می‌نمایند. از دیدگاه نظری، هنگامی که هیات مدیره مستقل بوده و از نسبت بالایی از اعضای غیر موظف برخوردار باشد، عملکرد شرکت ارتقا می‌یابد. تئوری نمایندگی نیز، برای افزایش استقلال هیات مدیره از مدیریت، این ایده را پشتیبانی می‌کند که هیات مدیره باید در چنبره‌ی مدیران بیرونی باشد. صاحبانظران در قالب این تئوری معتقدند که رفتار فرصت طلبانه‌ی مدیر می‌بایست توسط مدیران غیر اجرایی تحت نظارت و کنترل قرار گیرد. گزارش کدبری توصیه کرده است که هیات مدیره باید حداقل دارای سه عضو غیر موظف باشد تا اعضای مزبور، توان تأثیر گذاری بر تصمیمات هیات مدیره را داشته باشند.

استقلال هیات مدیره از طریق نسبت اعضای غیر موظف هیات مدیره به کل اعضای هیات مدیره اندازه گیری می‌شود.

متغیرهای کنترلی

اندازه سازمان (Size_{it}): برای محاسبه متغیر اندازه، از معیارهای مختلفی همچون لگاریتم ارزش بازار حقوق صاحبان سهام، لگاریتم ارزش دفتری دارایی‌ها، و لگاریتم فروش استفاده می‌شود. در این تحقیق، با توجه به وضعیت بازار سرمایه و تأثیر تورم بر روی شرکت‌ها، از متغیر فروش که به گونه‌ی بهتری نشان دهنده‌ی وضعیت شرکت می‌باشد به عنوان شاخصی جهت ارزیابی اندازه شرکت استفاده شده است.

اهرم (LEV_{it}): برابر است با نسبت کل بدهی‌ها به ارزش دفتری کل دارایی‌ها. دلیل انتخاب اهرم این است که، اصولاً شرکت‌هایی که بیشتر از اهرم استفاده می‌کنند، بیشتر احتمال دارد که مرتکب تقلب شوند. زیرا شرکتی که اهرم بالاتری دارد، مقروض تر بوده، و در نتیجه احتمال وجود دستکاری در صورت‌های مالی اش بیشتر خواهد بود.

$$FR_{it} = \beta_0 + \beta_1 Bod\ size_{it} + \beta_2 Own\ Con_{it} + \beta_3 Dual_{it} + \beta_4 Bod\ Ind_{it} + \beta_5 Size_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

در این تحقیق، به منظور آزمون فرضیات، از رگرسیون لجستیک در نرم افزار ۸

یافته‌ها آمار توصیفی

آمار توصیفی مشاهدات، شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، بیشترین مقدار، و کمترین مقدار در جدول ۱ ارائه شده است. داده‌ها به صورت پانلی جمع آوری شده و با استفاده از ۱۱۰۰ مشاهده (سال - شرکت) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، که نتایج آن در جدول ۱ آمده است:

جدول ۱: آمار توصیفی

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
وابسته	۰/۰۳۱	۰/۰۰۰	۰/۱۷۵	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
مستقل	اندازه هیات مدیره	۵/۰۴۵	۵/۰۰۰	۰/۳۳۰	۷/۰۰۰
	درصد تمرکز مالکیت	۰/۸۹۲	۰/۷۸۵	۰/۳۶۳	۰/۸۵۸
	دوگانگی وظیفه مدیرعامل	۰/۰۱۳	۰/۰۰۰	۰/۱۱۶	۱/۰۰۰
	استقلال هیات مدیره	۰/۶۱۸	۰/۶۰۰	۰/۱۸۳	۱/۰۰۰
کمی	نسبت بدهی (اهرم)	۰/۶۵۸	۰/۶۶۰	۰/۲۰۴	۲/۰۸۰
	اندازه شرکت	۵/۵۷۹	۵/۵۶۰	۰/۷۴۹	۸/۰۳۰

نتایج تحلیل توصیفی داده‌ها بیانگر این است که به طور متوسط تنها در یک درصد از شرکت‌های مورد بررسی، دوگانگی نقش مدیرعامل وجود داشته است. همچنین متوسط اعضای هیات مدیره تقریباً ۵ نفر می‌باشد. متوسط درصد تمرکز مالکیت، نزدیک به ۹۰٪ است که نشان دهنده تمرکز مالکیت بالا در شرکت‌های مورد بررسی است. متوسط متغیر استقلال هیات مدیره نیز، تقریباً ۶۱٪ دست آمده است. به عبارت دیگر، تقریباً ۶۰٪ اعضای هیات مدیره را، مدیران غیرموظف تشکیل می‌دهند. میانگین اندازه و اهرم شرکت‌های مورد بررسی نیز، به ترتیب برابر با ۵/۵۷۹ و ۰/۶۵۸ است، به این معنی که، به طور متوسط ۶۷٪ دارایی‌های شرکت‌های مورد بررسی از محل بدهی‌ها تامین مالی شده‌اند.

نتایج آزمون فرضیه اول

در فرضیه اول بیان شد که، اندازه هیات مدیره دارای رابطه منفی و معناداری با احتمال

بررسی تاثیر ساختار حاکمیت شرکتی بر گزارشگری مالی متقلبانه‌ی شرکت‌های پذیرفته شده ۷۱
گزارشگری مالی متقلبانه است. در جدول ۲ نتایج آزمون این فرضیه ارائه شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون فرضیه اول

$\beta = \beta_1 + \beta_2 \text{Bod.size}_{it} + \beta_3 \text{Own}_r \text{Bod.size}_{it} + \beta_4 \text{Con}_{it} + \beta_5 \text{Dual}_{it} + \beta_6 \text{Bod-Ind}_{it} + \beta_7 \text{LEV}_{it} + \beta_8 \text{size}_{it} + \varepsilon_{it}$					
عنوان متغیر	علامت مورد انتظار	ضریب	آماره z	- مقدار P	
ضریب ثابت	+	۰/۱۹۷	۰/۰۷۳	۰/۹۴۱	B
اندازه هیات مدیره	-	-۰/۱۱۶	-۰/۲۳۰	۰/۸۱۷	Bod.size
اندازه شرکت	-	-۰/۸۰۳	-۴/۸۴۴	۰/۰۰۰	SIZE
اهرم	+	۱/۸۰۳	۲/۶۸۹	۰/۰۰۷	LEV
آماره LR		۳۱/۶۷۵		سطح معناداری LR	
Mc Fadden		۰/۱۰۲			

همانطور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، نتایج ضریب و آماره‌ی Z متغیر اندازه شرکت، برابر است با ۰/۱۱۶- و ۰/۲۳۰-، که با توجه به P-مقدار و مقایسه آن با سطح معنی داری ۵٪ نمی‌توان بیان کرد که، بین اندازه هیات مدیره و گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معنی دار وجود دارد. بنابراین، فرضیه اول رد می‌شود. به عبارتی، اندازه هیات مدیره نمی‌تواند احتمال گزارشگری مالی متقلبانه را کاهش دهد. این نتیجه مطابق است با نتایج پژوهش آسیکین و همکاران (۲۰۱۴) و چن و همکاران (۲۰۰۶). همچنین، نتایج این فرضیه نشان می‌دهد که بین اندازه شرکت و اهرم مالی با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج آزمون فرضیه دوم

در فرضیه دوم بیان شد که، درصد تمرکز مالکیت دارای رابطه منفی و معناداری با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه است. در جدول شماره ۳ نتایج آزمون این فرضیه ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون فرضیه دوم

$\beta_5 \text{Bod-Ind}_{it} + \beta_4 \text{Dual}_{it} + \beta_3 \text{Con}_{it} + \beta_2 \text{Own}_{it} + \beta_1 \text{Bod.size}_{it} + \beta_0 + \beta_6 \text{FV}_{it} = \beta_7 \text{LEV}_{it} + \varepsilon_{it}$					
عنوان متغیر	علامت مورد انتظار	ضریب	آماره z	- مقدار P	
ضریب ثابت	B	-۰/۳۷۶	-۰/۳۷۲	۰/۷۰۹	
تمرکز مالکیت	Con Own	-۰/۰۱۰	-۰/۰۹۳	۰/۹۲۵	
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۸۰۵	-۴/۸۷۹	۰/۰۰۰	
اهرم	LEV	۱/۸۱۵	۲/۷۱۹	۰/۰۰۶	
آماره LR		۳۱/۶۰۰		۰/۰۰۰	سطح معناداری LR
Mc Fadden		۰/۱۰۱			

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، ضریب و آماره‌ی Z برای متغیر درصد تمرکز مالکیت، برابر است با ۰/۰۱۰- و ۰/۰۹۳-، که با توجه به P-مقدار و مقایسه آن با سطح معنی داری ۵٪ نمی‌توان بیان کرد که، بین درصد تمرکز مالکیت و گزارشگری مالی رابطه معنی دار وجود دارد. بنابراین، فرضیه‌ی دوم رد می‌شود. این نتیجه مطابق است با نتیجه‌ی پژوهش چالاکی و همکاران (۲۰۱۲). همچنین، نتایج این فرضیه نشان می‌دهد که بین اندازه شرکت و اهرم مالی با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج آزمون فرضیه سوم

در فرضیه سوم بیان شد که، دوگانگی وظیفه مدیر عامل دارای رابطه منفی و معناداری با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه است. در جدول شماره ۴ نتایج آزمون این فرضیه ارائه شده است.

جدول ۴: نتایج آزمون فرضیه سوم

$\text{Bod-Ind}_{it} + \beta_4 \text{Dual}_{it} + \beta_2 \text{Con}_{it} + \beta_1 \text{Own}_{it} + \beta_3 \text{Bod.size}_{it} + \beta_1 + \beta_5 \text{FV}_{it} = \beta$ $\text{LEV}_{it} + \varepsilon_{it} + \text{size}_{it} + \beta_5 + \beta$					
عنوان متغیر	علامت مورد انتظار	ضریب	آماره z	- مقدار P	
ضریب ثابت	B	+	۷/۰۶۱	۰/۰۰۰	
دوگانگی و وظیفه مدیرعامل	Dual	-	-۰/۵۸۰	۰/۵۶۱	
اندازه شرکت	SIZE	-	-۸/۱۸۱	۰/۰۰۰	
اهرم	LEV	+	۳/۰۷۶	۰/۰۰۲	
آماره LR			سطح معناداری LR	۰/۰۰۰	۱۹/۳۲۲
Mc Fadden					۰/۰۷۲

همانطور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، ضریب و آماره‌ی Z متغیر دوگانگی و وظیفه مدیرعامل برابر است با ۰/۰۳۲- و ۰/۵۸۰-، که با توجه به P- مقدار و مقایسه آن با سطح معنی داری ۵٪ نمی‌توان گفت که دوگانگی و وظیفه مدیرعامل با تقلب در گزارشات مالی در ارتباط است. بنابراین، فرضیه سوم رد می‌شود. با توجه به عدم مطابقت یافته‌های موجود با مبانی نظری، می‌توان علت را در این موضوع جستجو کرد که، در بین ۱۱۰۰ مشاهده (سال- شرکت) در این پژوهش، تنها در ۱۲ مورد از مشاهدات، پست مدیرعامل و رئیس هیات مدیره یکسان بوده‌اند، و در ۱۰۸۸ مشاهده‌ی دیگر، پست مدیرعامل و رئیس هیات مدیره از یکدیگر مجزا بوده‌اند. بنابراین، نبود رابطه معنادار بین دوگانگی و وظیفه مدیرعامل و گزارشگری مالی متقلبانه، چندان دور از انتظار نیست.

نتایج آزمون فرضیه چهارم

در فرضیه چهارم بیان شد که، استقلال هیات مدیره دارای رابطه منفی و معناداری با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه است. در جدول ۵ نتایج آزمون این فرضیه ارائه شده است.

جدول ۵: نتایج آزمون فرضیه چهارم

$FV_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{Bod.size}_{it} + \beta_2 \text{Own Con}_{it} + \beta_3 \text{Dual}_{it} + \beta_4 \text{Bod-Ind}_{it} + \beta_5 \text{size}_{it} + \beta_6 \text{LEV}_{it} + \varepsilon_{it}$					
عنوان متغیر	علامت مورد انتظار	ضریب	آماره z	- مقدار P	
ضریب ثابت	-	-۰/۹۲۴	-۰/۸۰۶	۰/۴۲۰	B
استقلال هیات مدیره	-	۰/۹۵۰	۰/۹۵۰	۰/۳۴۱	Bod-Ind
اندازه شرکت	-	-۰/۸۳۲	-۵/۰۳۱	۰/۰۰۰	SIZE
اهرم	+	۱/۹۴۶	۲/۸۸۲	۰/۰۰۳	LEV
آماره LR		۳۲/۵۸۲		۰/۰۰۰	سطح معناداری LR
Mc Fadden		۰/۱۰۵			

با توجه به جدول ۵ مشاهده می‌شود که، ضریب و آماره‌ی Z متغیر استقلال هیات مدیره، برابر با ۰/۹۵۰ و ۰/۹۵۰ می‌باشد. که با توجه به P-مقدار و مقایسه آن با سطح معنی داری ۵٪ نمی‌توان بیان کرد که رابطه معنی داری بین استقلال هیات مدیره و گزارشگری مالی متقابله وجود دارد. بنابراین، فرضیه چهارم رد می‌شود. این نتیجه با نتایج به دست آمده از پژوهش چن و همکاران (۲۰۰۶) مطابقت دارد، اما با نتایج پژوهش آسیکین و همکاران (۲۰۱۴) مغایر است. همچنین، نتایج این فرضیه نشان می‌دهد که بین اندازه شرکت و اهرم مالی با احتمال گزارشگری مالی متقابله رابطه معناداری وجود دارد.

در پژوهش حاضر متغیرهای اندازه شرکت و اهرم، به عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شده‌اند. نتایج، وجود رابطه‌ای معنی دار بین متغیرهای کنترلی پژوهش، و تقلب در گزارشات مالی را تایید می‌کند. بنابراین، می‌توان گفت که اندازه شرکت و اهرم رابطه‌ی مستقیم با تقلب در گزارشات مالی دارند.

بحث و نتیجه گیری

افزایش توجه به مسئله تقلب در سال‌های اخیر، نشان دهنده رشد سطح آگاهی افراد از اثرات زیان بار تقلب، به خصوص در جریان جهانی شدن اقتصاد و تجارت است. علاوه بر

مشخصه‌های ساختاری شرکت، که می‌توانند زمینه ارتکاب تقلب را افزایش دهند، تضاد منافع و عدم تقارن اطلاعاتی بین مالکیت و مدیریت نیز زمینه ساز فساد مالی هستند. به علاوه، تخصیص وظایف و مسئولیت‌ها به مدیران نیز، می‌تواند دروازه ارتکاب تقلب را باز کند. در چنین شرایطی، اهمیت نقش هیات مدیره به عنوان ناظر و کنترل کننده‌ی عملکرد مدیران اجرایی کاملاً واضح است. از آنجا که حاکمیت شرکتی ضعیف، منبع اصلی رفتار متقلبانه در متن شرکت‌هاست، بنابراین، استقرار حاکمیت شرکتی قوی یکی از موثرترین ابزارها برای ممانعت و کاهش این گونه رفتارها می‌باشد.

در فرضیه اول بیان شد که، اندازه هیات مدیره دارای ارتباط منفی و معناداری با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه است. با توجه به نتایج بدست آمده طبق جدول ۲ نمی‌توان بیان کرد که، بین اندازه هیات مدیره و گزارشگری مالی متقلبانه رابطه وجود دارد. بنابراین، فرضیه اول رد می‌شود. به عبارتی، می‌توان گفت که، اندازه هیات مدیره نمی‌تواند احتمال گزارشگری مالی متقلبانه را کاهش دهد.

در فرضیه دوم بیان شد که، درصد تمرکز مالکیت دارای ارتباط منفی و معناداری با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه است. با توجه به نتایج بدست آمده که در جدول ۳ آورده شده است، نمی‌توان بیان کرد که، بین درصد تمرکز مالکیت و گزارشگری مالی رابطه وجود دارد. بنابراین، فرضیه‌ی دوم رد می‌شود.

در فرضیه سوم بیان شد که، دوگانگی وظیفه مدیر عامل دارای ارتباط منفی و معناداری با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه است. با توجه به نتایج دست آمده طبق جدول ۴ نمی‌توان گفت که دوگانگی وظیفه مدیرعامل با تقلب در گزارشات مالی در ارتباط است. بنابراین، فرضیه سوم رد می‌شود.

به موجب ماده ۲ پیش نویس آیین نامه اصول راهبری شرکت بورس اوراق بهادار تهران، ریاست هیات مدیره و مدیرعامل نباید بر عهده یک شخص واحد باشد و وظایف و اختیارات و مسولیت‌های رئیس هیات مدیره و مدیرعامل باید به طور صریح و روشن مشخص شده و هیچگونه تداخلی باهم نداشته باشند. در کشور ما، هیات مدیره به طور سنتی و نیز براساس قانون تجارت، وظایف اجرایی و

استراتژیک (البته در عمل عمدتاً وظایف اجرایی) را عهده دار می‌باشد. در صورتی که وظیفه هیات مدیره باید تدوین استراتژی، حصول اطمینان از دستیابی به منابع مالی و نیروی انسانی، ارزیابی عملکرد مدیران و کنترل ریسک باشد. بنابراین وظیفه رئیس هیات مدیره، حصول اطمینان از انجام وظایف فوق و ارتباط موثر با سهامداران بوده و مدیرعامل وظایف اجرایی را عهده دار خواهد بود، در صورتی که متأسفانه در کشور ما این دو وظیفه (مدیرعامل و رئیس هیات مدیره) به خوبی از یکدیگر تفکیک نشده است.

در فرضیه چهارم بیان شد که، استقلال هیات مدیره دارای ارتباط منفی و معناداری با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه است. با توجه به نتایج جدول ۵ نمی‌توان بیان کرد که ارتباط معناداری بین استقلال هیات مدیره و گزارشگری مالی متقلبانه وجود دارد. بنابراین، فرضیه چهارم رد می‌شود.

از دیدگاه تئوری نمایندگی، حضور مدیران غیرموظف مستقل در هیات مدیره‌ی شرکت‌ها و عملکرد نظارتی آنان به عنوان افرادی مستقل، به کاهش تضاد منافع موجود میان سهامداران و مدیران شرکت در جلسات هیات مدیره، کمک شایان توجهی می‌کند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که نقش مدیران غیرموظف در ایران مطابق با تئوری نمایندگی نیست. در تفسیر نتیجه این فرضیه که همسو با نتایج تحقیق مشابه صورت گرفته توسط چن و همکاران (۲۰۰۶) بوده، لیکن بر خلاف ادبیات تحقیق می‌باشد، باید به این نکته توجه داشت که آیا در کشور ما مدیران غیرموظف به ایفای نقش نظارتی خود می‌پردازند یا خیر. چرا که اگر مدیران غیرموظف صرفاً در تصمیم‌گیری‌ها مداخله نموده و از نقش نظارتی خود غافل شوند، عملاً اثربخشی آنها را بطور قابل توجهی کاهش خواهد یافت. عضویت همزمان اعضای غیرموظف در هیات مدیره چند شرکت نیز ممکن است باعث کاهش اثربخشی آنها شود. در این تحقیق، مدیرانی که در شرکت سمت اجرایی ندارند به عنوان مدیر غیرموظف تعریف شدند و فرض شده که مستقل از شرکت هستند، در حالی که شاید ظاهراً مستقل از شرکت باشند، لیکن عملاً مستقل نبوده و به شرکت وابستگی‌هایی داشته باشند، مثلاً بسیاری از آنها به دلیل مدت زمان طولانی عضویت در هیات مدیره، به آن شرکت وابستگی پیدا کرده باشند.

پیشنادهایی برای تحقیقات آتی

در پایان برای ادامه راه محقق و گسترش ادبیات این حوزه در ایران، پیشنهادهایی برای تحقیقات آتی داده می‌شود:

۱. دوره انجام تحقیق افزایش یابد و در سال‌های آینده این تحقیق در بازه زمانی طولانی‌تری انجام شود.

۲. در تحقیق حاضر، از ترکیب مدل آلتمن و بنیش برای کشف تقلب در گزارشگری مالی استفاده شده بود، در تحقیقات آینده، روش‌های دیگری مثل: تجزیه و تحلیل تمایزی چندگانه، شبکه‌های لاجیت تطبیقی، شبکه‌های عصبی، استفاده از قواعد منطق فازی و... می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند.

۳. همچنین، متغیرهای زیادی وجود دارند که می‌توان از آن‌ها به عنوان شاخص‌های کشف تقلب در گزارشگری مالی کمک گرفت. از جمله: نوع صنعت، تداوم فعالیت صنعت، ساختارهای حاکمیت شرکتی مثل: میزان گردش مدیران مالی، نوع اظهارنظر حسابرس، نوع حسابرسی و تعداد دفعات تغییر آن، روش استهلاک و ...

یادداشت‌ها

1. Corporate Governance
2. WorldCom
3. Enron
4. Global Crossing
5. Asyiqin et al.
6. Ernst & Young
7. Fraudulent financial reporting
8. Elliot and Willingham
9. Wallace
10. International Federation of Accountants
11. American Institute of Certified Public Accountants
12. Law
13. SEC
14. Selamat & Alzoubi
15. Minnick and Noga
16. Higgs
17. Dhaliwal et al.

منابع

- آقای علی، چالاکی پری (۱۳۸۸)، بررسی رابطه بین ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *تحقیقات حسابداری*، ۴، ۱ - ۲۴.
- احدی سرکانی یوسف، (۱۳۸۵)، ارزیابی روابط متقابل رشد اقتصادی با ساختار مالی و ساختار مالکیت شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- اعتمادی حسین، زللی حسن، (۱۳۹۲)، کاربرد رگرسیون لجستیک در شناسایی گزارشگری متقلبان، *فصلنامه دانش حسابرسی*، ۵۱، ۱۴۵-۱۶۳.
- برادران خسروشاهی نجمه، (۱۳۸۷)، اثر ساختار مالکیت از نظر میزان پراکندگی و تمرکز مالکیت بر عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- پورحیدری امید، کوپائی حاجی مهدی (۱۳۸۹)، پیش بینی بحران مالی شرکت‌ها با استفاده از مدل مبتنی بر تابع تفکیک خطی، *مجله پژوهش‌های حسابداری مالی*، سال دوم، ۱، ۳ - ۳۳ - ۴۶.
- پورزمانی زهرا (۱۳۸۶)، حاکمیت شرکتی و پیش بینی ورشکستگی شرکت‌ها، پایان نامه دکتری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- حساس یگانه یحیی، باغومیان رافیک، (۱۳۸۴)، نقش هیات مدیره در حاکمیت شرکتی. *ماهنامه حسابداری*، سال بیستم، ۱۷۳، ۳۰-۴۱.
- حساس یگانه یحیی، شعری صابر، خسرونژاد حسن، (۱۳۸۷)، رابطه ساز و کارهای حاکمیت شرکتی، نسبت بدهیها، اندازه شرکت با مدیریت سود، *مطالعات حسابداری*، ۴۲، ۹۷ - ۵۱۱.
- حساس یگانه یحیی، یزدانیان نرگس، (۱۳۸۷)، تاثیر حاکمیت شرکتی بر کاهش مدیریت سود، *فصلنامه مطالعات حسابداری*، ۱۷، ۱۷ - ۱۵۲.
- رجبی، رضا، (۱۳۸۶)، بررسی حاکمیت شرکتی بر هزینه سرمایه شرکتها، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- صدیقی روح اله، (۱۳۹۲)، ارتباط ساختار هیات مدیره با محتوای اطلاعاتی سود حسابداری، *فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی*، سال یازدهم، ۳۷، ۹۹ - ۱۲۵.

بررسی تاثیر ساختار حاکمیت شرکتی بر گزارشگری مالی متقلبانهای شرکت های پذیرفته شده ۷۹

صفرزاده محمد حسین، (۱۳۹۲)، توانایی نسبت های مالی در کشف تقلب در گزارشگری

مالی، فصلنامه دانش حسابداری، ۱، ۱۳۷ - ۱۶۳.

مکرمی مریم، متفرس زینب، (۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین ویژگیهایی حاکمیت شرکتی و

ورشکستگی (با استفاده از آنالیز بقا). اولین کنفرانس ملی حسابداری و مدیریت،

شیراز، موسسه بین المللی آموزشی و پژوهشی خوارزمی.

نمازی محمد، ابراهیمی شهلا، (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر ساختار مالکیت و ترکیب هیأت

مدیره بر کارآیی فنی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش

حسابداری، سال چهارم، ۱۲، ۳۵-۵۷.

Alzoubi E. S. S. Selamat M. H. (2012). The effectiveness of corporate governance mechanisms on constraining earning management: literature review and proposed framework. *International Journal of Global Business*, Vol, 5. 1: 17-35.

Asyiqin W A. (2014). Disclosure of corporate governance structure and the likelihood of fraudulent financial reporting. *Procedia-Social and Behavioral Sciences* 145: 243 – 253.

Beasley M.S. (1996). An empirical analysis of the relation between the board of director composition and financial statement fraud. *The Accounting Review*, Vol, 71. 4: 433- 465.

Chen G. Firth F. GAO D N. Rui O V. (2006). Ownership structure, corporate governance, and fraud: Evidence from China. *Journal of Corporate Finance*, 12: 424– 448.

Dhaliwal D. Salamon G. Smith E. (1982). The effect of owner versus management control on the choice of accounting methods. *Journal of Accounting and Economics*, 4: 41-53.

Ernst and Young (2009). Driving ethical growth - new markets, new challenges, 11th Global Fraud Survey.

Law P. (2011). Corporate governance and no fraud occurrence in organisations Hong Kong evidence. *Managerial Auditing Journal*, 6: 501-518.

Minnick K. Noga T. (2010). Do corporate governance characteristics influence tax management? *Journal of Corporate Finance*, 16: 703–718.

